

چالش‌های پاسخ کیفری به جرم شرکتی ورشکستگی به تقصیر یا تقلب

عظیم آقابابائی طاقانکی،* رشید قدیری بهرام‌آبادی** و مهدی امینی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۴۶۳-۴۳۹
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

امکان ارتکاب جرم ازسوی شرکت‌های تجاری و تحمیل کیفر آنان امروزه نظریه غالب دکترین حقوق کیفری است. ازجمله جرائمی که شرکت‌های تجاری در معرض ارتکاب آن هستند ورشکستگی به تقصیر یا تقلب است. مسئله مهم درخصوص مسئولیت کیفری شرکت تجاری در فرض ارتکاب جرائم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، مجازات‌های قابل‌اعمال و کیفیت آن برای این اشخاص است. این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی پس از بررسی چالش‌های مربوط به پاسخ‌های کیفری به شخص حقیقی به‌عنوان نماینده قانونی شخص حقوقی ورشکسته، پاسخ‌های غیرکیفری به شرکت تجاری ورشکسته و همچنین چالش‌های مربوط به پاسخ‌های کیفری به شرکت ورشکسته، می‌پردازد. یافته‌ها حاکی است که با عنایت به تقدم شمول رژیم ورشکستگی بر شرکت تجاری ورشکسته به تقصیر یا تقلب نسبت به نظام کیفری حاکم، بسیاری از پاسخ‌های کیفری مقرر در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی غیرقابل اعمال بر شخص حقوقی می‌شود. کمااینکه اولین اثر نظام ورشکستگی به شرکت تجاری ورشکسته، انحلال شرکت است و درحالی‌که سنگین‌ترین پاسخ کیفری در نظر گرفته شده برای شخص حقوقی در ماده (۲۰) انحلال شرکت است. زمانی که شرکتی با ضمانت اجرای غیرکیفری منحل می‌شود چگونه می‌توان وی را با مجازات‌هایی از قبیل جزای نقدی، مورد مؤاخذه کیفری قرار داد؟ ازطرفی، امکان مجازات شخص حقیقی نیز با توجه به «اصل استقلال شخصیت شخص حقوقی از اشخاص حقیقی» غیرممکن است. بنابراین به‌نظر می‌رسد در این خصوص نظام کیفری ایران با جرمی مواجه است که به‌جهت عدم اختصاصی‌سازی حقوق کیفری مربوط به جرائم اشخاص حقوقی ازسوی قانونگذار، پاسخ‌های کیفری امکان اعمال یا کارآمدی لازم را نخواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: شرکت تجاری؛ ورشکستگی به تقصیر؛ ورشکستگی به تقلب؛ پاسخ کیفری؛ پاسخ غیرکیفری

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: azimaghababaei@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران؛

Email: ghadiri-r@sku.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران؛

Email: mehdi.amini@sku.ac.ir

مقدمه

مقاله حاضر درصدد پیوند بین ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، جرم شرکتی و سپس بررسی دقیق و موشکافانه پاسخ‌های رسمی موجود در نظام حقوقی ایران به پدیده مجرمانه ورشکستگی به تقصیر یا تقلب شرکتی است. چنین تحلیلی در وهله اول نیازمند بررسی موضوع مسئولیت کیفری شرکتی است. هرچند در گذشته با این استدلال که استناد تقصیر به مرتکب جرم مستلزم دو اصل عقلانیت و استقلال فردی است (Moore, 1985: 23 ; Gardner, Anderson and Terry 2009: 109) امکان استناد مسئولیت کیفری به شرکت تجاری^۱ را غیرممکن می‌دانستند؛ اما امروزه، ظهور پدیده صنعتی‌شدن در جوامع در نتیجه شکل‌گیری شرکت‌های تجاری، نظام‌های حقوقی مترقی را بر آن داشت تا در جهت وضع واکنش کیفری علیه این اشخاص تدابیری بیندیشند (گلدوزیان و گلریز، ۱۳۹۷: ۲۱۱). البته برخی حقوق‌دانان معتقدند مسئولیت کیفری شرکتی مشکل‌ساز است و شکل اصلاح شده مسئولیت مدنی شرکتی می‌تواند اهداف و ویژگی‌های مطلوب مسئولیت کیفری را نیز دربر گرفته و همچنین از ویژگی‌های نامطلوب مسئولیت کیفری جلوگیری کند (Khanna, 1996: 1477). برخی نیز معتقدند نظر به ماهیت خاص شرکت‌های تجاری، پاسخ‌های کیفری خاص متناسب با ماهیت ایشان بر شرکت باید تحمیل شود (Nelson, 2020: 113).

صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهای بیان شده، آنچه امروزه به‌عنوان موضوع تحقیقات کیفری در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد دو چیز است: اول، «جرائم ارتكابی ازسوی این اشخاص که به جرائم شرکتی معروف است (Wells, 2001: 5-6) و دوم، مسئولیت کیفری شرکت‌های تجاری^۲. جرم شرکتی^۳ نتیجه تصمیم‌گیری کسانی است که به‌عنوان مدیر یا مدیران شرکت مشغول به‌کار هستند و در اثر ارتكاب این جرائم سود عاید شرکت می‌شود (Šikman, 2013: 103 to 106) ازطرفی دولت‌ها

1. Corporations

2. Corporation's Criminal Liability / Corporation's Criminal Responsibility

3. Corporate Crime

با استفاده از ابزار مسئولیت کیفری که پاسخ‌های کیفری^۱ را به دنبال دارد سعی در کنترل رفتار شرکت و جرائم ارتكابی ازسوی اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده شرکت دارد (Weissman and Newman, 2007: 411). بنابراین دو مقوله جرم شرکتهای (چه از نظر جرم‌شناختی و چه از نظر تکنیکال) و مسئولیت کیفری شرکت مجرم از نظر پژوهشی اهمیت دوچندان می‌یابد.

در حقوق ایران، ورشکستگی به تقصیر یا تقلب^۲ از اقسام جرائم علیه اموال و مالکیت است که به دلیل تجاوز به حقوق مالکانه اشخاص و گاه ایجاد اخلال در نظام اقتصادی جرم‌انگاری شده است (حاجی‌تبار فیروز جایی، ۱۴۰۰: ۱۶۵). از اهداف نظام ورشکستگی، تضمین توزیع عادلانه دارایی‌های بدهکار و ورشکسته بین طلبکاران و همچنین جلوگیری از انجام هرگونه اعمالی است که به منافع طلبکاران لطمه وارد می‌کند (Robert, Agustina and Nasution, 2020: 174)، لیکن ورشکستگی به تقصیر و تقلب تا حدودی این تضمین را برهم می‌زند و حقوق طلبکاران را تهدید و تحدید می‌کند. وجه تمایز جرائم ورشکستگی به تقصیر و تقلب شرکت‌های تجاری با سایر جرائم اشخاص حقوقی در این است که علاوه بر به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری در ارتكاب این جرائم، پاسخ‌ها و محدودیت‌های غیرکیفری نیز به جهت ارتكاب جرم بر شرکت تحمیل می‌شود. جرم شرکتهای مفهوم عامی است که می‌تواند هر نوع جرمی را شامل شود و نظام کیفری با توجه به نوع جرم ارتكابی، پاسخ متناسبی را به آن روا دارد. زمانی که جرم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب در بستر شرکتهای ارتكاب یابد، موضوع پیچیده‌تر خواهد شد؛ زیرا این اتفاق، پیوندی بین نظام ورشکستگی و نظام کیفری را برقرار می‌سازد و مستلزم دقت بیشتر مقنن در هنجارگذاری و پاسخ‌نگاری کیفری به این رفتار مجرمانه است. حال آنکه این موضوع از نظر مقنن ایران مغفول مانده و فقط در چند ماده کلی به بیان مسئولیت و پاسخ‌های کیفری در این مسئله پرداخته و از اختصاصی‌سازی موضوع خودداری کرده است. در نقطه تلاقی

1. Criminal Responses

2. Culpable or Fraudulent Bankruptcy

این دو نظام (ورشکستگی و کیفری) در قوانین کشور ایران پاسخ‌هایی در نظر گرفته شده که تأثیرات مستقیمی بر هم داشته و در بسیاری از موارد حتی مشابه هستند. نظر به متعدد بودن پاسخ‌های رسمی به شرکت تجاری ورشکسته به تقصیر یا تقلب، چالش‌هایی در مرحله تحمیل و تحمل کیفر بر شرکت وجود خواهد داشت. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به وضعیت مسئولیت نماینده قانونی شرکت، تأثیرات پاسخ‌های رسمی غیرکیفری بر پاسخ‌های رسمی کیفری و بررسی پاسخ‌های مناسب به این بزه در پرتو نظام کیفری اشاره کرد به‌طوری‌که در این مقاله پس از بررسی امکان‌سنجی اعمال ضمانت اجرای کیفری بر نماینده قانونی شرکت تجاری به‌عنوان شخص حقیقی مرتکب جرم، به پاسخ‌های غیرکیفری به شرکت ورشکسته به تقصیر یا تقلب می‌پردازد که مؤثر بر پاسخ‌های کیفری بر این اشخاص هستند و پس از آن امکان یا عدم امکان اعمال ضمانت اجرای کیفری مقرر برای اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران بر شرکت تجاری ورشکسته به تقصیر یا تقلب را با توجه به تأثیر غیرکیفری نظام ورشکستگی تحلیل می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

در حقوق ایران تحقیقات مرتبط با موضوع این مقاله را می‌توان در چند مورد مشاهده کرد: یک، در راستای تحلیل مسئولیت کیفری و اهلیت جنایی اشخاص حقوقی و دوم، در راستای گونه‌شناسی پاسخ‌های کیفری به این اشخاص. ابراهیم‌پور و جوانمرد (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی» پس از بررسی ضرورت‌های اعتبار مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی نتیجه‌گیری کرده‌اند که قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به‌عنوان یک قاعده مورد پذیرش قرار داده است که این قاعده بدون استثنا هم نیست. پوربافرانی و سیفی (۱۳۹۴) در مقاله «گونه‌شناسی مجازات شخص حقوقی» به بررسی گونه‌های پاسخ‌های کیفری به اشخاص حقوقی مجرم، صرف‌نظر از پاسخ‌های مقرر در نظام کیفری ایران و همچنین دسته‌بندی این پاسخ‌ها پرداخته‌اند و

در نهایت نتیجه‌گیری کرده‌اند که قانون مجازات اسلامی همه نکات و مسائل مربوط به پاسخ‌های کیفری به شخص حقوقی را مورد تدقیق قرار نداده است. جعفری (۱۳۹۵) در مقاله «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران» نتیجه‌گیری کرده است که به‌رغم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی استثنائی بر اصول شخصی بودن و فردی کردن مجازات‌ها است، لیکن عدالت و منفعت اجتماعی تعیین مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی را به یکی از ضرورت‌های حقوق کیفری تبدیل کرده است. شریفی (۱۳۹۵) در مقاله «مسئولیت کیفری شرکت‌های تجاری در وضعیت‌های خاص (قبل از ثبت، پس از ادغام و در حال تصفیه)» بیان کرده است با توجه به مقررات موجود در کشور ایران در چنین وضعیت‌هایی مقرر کارآمد وجود نداشته و پیشنهادهایی در پایان مقاله برای رفع ابهام‌های تحلیل شده صورت گرفته است. شریفی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان» پس از بررسی مدل‌های مسئولیت نیابتی، همانندسازی و سیاست شخص حقوقی، مدلی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مناسب‌تر دانسته‌اند که مبتنی بر قصور سیستمی باشد. شریفی و حبیب‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله «معیارهای تعیین جزای نقدی اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران، آمریکا و انگلستان» به بررسی تطبیقی پاسخ کیفری جزای نقدی به شخص حقوقی مجرم پرداخته‌اند. در این مقاله بیان شده است که کشور ایران به تأسی از فرانسه، مدل چندبرابر کردن جزای نقدی مربوط به مجرم حقیقی را برای مجازات مجرم حقوقی استفاده کرده است و این در حالی است که به‌نظر می‌رسد بهترین مدل برای جزای نقدی را کشور انگلستان دارد که به کسر قسمتی از درآمد شرکت پرداخته می‌شود. قناد و اکبری (۱۳۹۴) در مقاله «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه» نتیجه‌گیری کرده‌اند، شخصیت حقوقی متزلزل و استثنائی شرکت در حال تصفیه، وضعیت مبهمی را در شکل‌گیری مسئولیت کیفری آنها ایجاد کرده است. مقاله حاضر درصدد بررسی دقیق و موشکافانه، شکاف و خلأ قانونی موجود در خصوص مسئله پاسخ کارآمد به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب شرکتی و ارائه پیشنهادهایی

برای رفع آن می‌پردازد.

۲. پاسخ‌های غیرکیفری

یک شرکت تجاری می‌تواند در حد وسیعی مرتکب تقلب یا تقصیر شود. به همین دلیل برخی معتقدند برای جامعه مهم است که بتواند طیف وسیعی از ابزارهای حقوقی اعم از کیفری یا غیرکیفری را برای جلوگیری از ورود آسیب این شرکت‌ها در اختیار داشته باشد (Sun Beale, 2009: 1503). ورشکستگی علاوه بر مرگ مدنی تاجر، آثار دیگری از جمله برای طلبکاران در پی دارد، به همین دلیل اکثر نظام‌های حقوقی با وضع قوانین جدید به دنبال کاهش آثار زیان‌بار آن هستند (سیدی آرانی، ۱۳۹۹: ۲۰۰). پاسخ‌های غیرکیفری در قانون تجارت، تصفیه امور ورشکستگی و سایر قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه بسیار است. در این مقاله صرفاً به پاسخ‌هایی بسنده می‌شود که بر اعمال و کیفیت پاسخ‌های کیفری مؤثر هستند.

۲-۱. انحلال شرکت تجاری

در قانون تجارت، عوامل بسیاری ممکن است موجب انحلال^۱ شرکت شود، یکی از این عوامل، ورشکستگی شرکت است. به موجب بند «۳» ماده (۱۹۹) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷، هرگاه شرکت ورشکسته شود و حکم ورشکستگی آن صادر گردد، منحل می‌شود. درخصوص اقسام شرکت‌های تجاری، مقنن صراحتاً انحلال شرکت را در مواد مختلفی در فرض ورشکستگی پیش‌بینی کرده است: شرکت تضامنی ماده (۱۳۶) قانون تجارت، شرکت سهامی ماده (۹۳) قانون تجارت، شرکت نسبی ماده (۱۸۹) قانون تجارت، شرکت با مسئولیت محدود ماده (۱۱۴) قانون تجارت، شرکت مختلط غیرسهامی ماده (۱۶۱) قانون تجارت، شرکت سهامی (اعم از سهامی عام یا خاص) ماده (۱۹۹) قانون تجارت و شرکت تعاونی بند «۶» ماده (۵۴) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، انحلال

1. Liquidation

در فرض ورشکستگی را مقرر کرده‌اند. البته ممکن است در بعضی موارد بین طلبکاران و شرکت ورشکسته قرارداد ارفاقی^۱ منعقد شود که این امر مانع از انحلال شرکت ورشکسته است. «قرارداد ارفاقی قراردادی است که بین طلبکاران یا اکثریت طلبکاران از یک سو و تاجر ورشکسته از سوی دیگر منعقد می‌شود و به موجب آن طلبکاران به تاجر فرصت می‌دهند تا به تجارت خود ادامه دهد و در برخی مواقع ممکن است از بخشی مطالبات خود صرف‌نظر کنند و در مقابل تاجر تعهداتی را به عهده می‌گیرد و موظف می‌شود مطالبات طلبکاران را به ترتیب مقرر و در مواعد تعیین شده در قرارداد پرداخت کند» (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۸: ۲۱۵). برخلاف قوانین کشورهای توسعه‌یافته که امکان انعقاد قرارداد ارفاقی قبل از صدور حکم ورشکستگی وجود دارد در قانون تجارت ایران، قرارداد ارفاقی ممکن است متعاقب صدور حکم ورشکستگی و در حین عملیات تصفیه منعقد شود (رحیم‌زاده میبیدی و مجاهد، ۱۴۰۰: ۲۵۰). در قرارداد ارفاقی طی طرح برنامه‌ریزی‌شده در یک مدت معین، شخص ورشکسته بخشی از درآمد آینده خود را در ازای حفظ حیات تجاری خود به بدهی‌ها اختصاص می‌دهد (Atkinson, 2017: 924) البته باید توجه داشت انعقاد قرارداد ارفاقی در ورشکستگی به تقلب شرکت تجاری به موجب ماده (۴۸۳) قانون تجارت غیرممکن، اما به موجب ماده (۴۸۴) قانون تجارت در فرض ورشکستگی به تقصیر ممکن است.

هرچند شرکت تجاری در مراحل تصفیه به عنوان شخصیت حقوقی^۲ است، اما «بقای شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی، از زمان شروع تصفیه تا خاتمه کامل آن صرفاً به دلیل تأمین منافع مالی طلبکاران و لزوم انجام برخی اقدامات در راستای منفعت دیان صورت می‌گیرد نه اینکه بقای شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه به ذات و به موجب اصل باشد» (قناد و اکبری، ۱۳۹۴: ۵۴). انحلال، علاوه بر اینکه به عنوان یک پاسخ غیرکیفری به شرکت ورشکسته در قانون مقرر شده است، در بند «الف» ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی به عنوان پاسخ کیفری

1. Scheme of Arrangement

2. Legal entities / Legal person

برای اشخاص حقوقی مرتکب جرم در نظر گرفته شده است.^۱ البته اعمال مجازات انحلال به اشخاص حقوقی مجرم از جمله شرکت تجاری نیازمند تحقق شرایط خاصی است که در ماده (۲۱) قانون مجازات اسلامی مقرر شده است. در نهایت گفتنی است هرچند پاسخ‌های تجاری و کیفری تحت عنوان انحلال آثار حقوقی تقریباً مشابهی دارد، اما شرایط اعمال آنها متفاوت است.

۲-۲. منع مداخله تاجر در اموال خود

به موجب ماده (۴۱۸) قانون تجارت «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است ...». چه این اموال از قبل موجود بوده باشد یا اینکه در زمان ورشکستگی عاید او شود. این ممنوعیت در قالب محرومیت از تصرف در امور مالی یا محجوریت شکل می‌گیرد. سه مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی برای شخص حقوقی، یعنی؛ ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی؛ ارتباط

۱. ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی: در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف) انحلال شخص حقوقی،

ب) مصادره کل اموال،

پ) ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،

ت) ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،

ث) ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال،

ج) جزای نقدی،

چ) انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها،

تبصره - مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

مستقیم با امور مالی تاجر دارد. مآلاً پاسخ غیرکیفری منع مداخله در اموال تاجر، تأثیر مستقیم در امکان اعمال سه مجازات معنونه دارد.

۳-۲. قائم‌مقام شدن مدیر یا اداره تصفیه

به موجب قسمت دوم ماده (۴۱۸) قانون تجارت که مقرر می‌دارد: «... در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم‌مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.» طلبکاران با وجود ذی‌حق بودن و اینکه اموال تاجر متعلق به آنها است، خود مستقیماً حق دخالت در اموال تاجر ورشکسته را ندارند. تصفیه عملیاتی است که در راستای پرداخت طلب و تأمین منافع طلبکاران صورت می‌گیرد (Guillien, 2013: 786). فلسفه قائم‌مقام شدن مدیر یا اداره تصفیه این است که امور مربوط به بدهی‌های شرکت به طلبکاران (یا به عبارتی امور قانونی مربوط به تصفیه) حل و فصل شود و طلبکاران به حقوق خود دست یابند. زمانی که امور شرکت به مدیر یا اداره تصفیه سپرده شده است، عملاً شرکت از اصدار اسناد تجاری یا دعوت عمومی یا فعالیت شغلی منع شده است و این امور با یک محدوده خاص به قائم‌مقام تصفیه سپرده می‌شود.

۳. پاسخ‌های کیفری

«هرچند فعالیت و تجارت شرکت توسط اشخاص حقیقی^۱ اتفاق می‌افتد اما شرکت ضمن فعالیت، دارای مسئولیت است» (Tarelli, 2004: 1-2). مسئولیت مدّ نظر این پژوهش کیفری است که در قالب مجازات یا ضمانت اجرای کیفری (که در این مقاله صورت خاصی از پاسخ در نظر گرفته شده است) بر شرکت بار می‌شود. هرچند جرائمی که شخص حقیقی مرتکب می‌شود قابل انتساب به شخص حقوقی نیز است، اما به طور معمول مجازات‌هایی که برای شخص حقیقی در نظر گرفته

1. Natural Persons

می‌شود، نسبت به شخص حقوقی قابل اجرا نیست. در ضمن مجازات کردن شرکت ورشکسته به تقصیر یا تقلب امری ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا «تعیین ضمانت اجرای کیفری نه تنها بیانگر حمایت از یک ارزش و محکوم کننده رفتار خلاف آن است بلکه دربردارنده اثر پیشگیرانه و بازدارنده نیز است» (Dandurand, 1999: 27) مجازات جرائم ورشکستگی به تقصیر و تقلب در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ به ترتیب در مواد (۶۷۱) و (۶۷۰) و در لایحه جدید قانون تجارت در مواد (۱۲۰۸) و (۱۲۰۲) مقرر شده‌اند. به نظر می‌رسد ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی جامع و کامل نیست. مقنن می‌توانست در این ماده از ضمانت اجراهای دیگری همچون تعطیلی موقت، نظارت قضایی، الزام به اصلاح سیستم و وضعیت جرم‌زا، کار عام‌المنفعه و خدمات اجتماعی استفاده کند. همچنین مقتضی است که جزای نقدی متناسب با درآمد و گردش مالی هر شخص حقوقی به عنوان مجازات متناسب تعیین شود (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

محکوم کردن مدیر یا نماینده قانونی شرکت تجاری به مجازات، در فرض انتساب جرم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب مشکل است. باین حال از نظر برخی محققان، صرف نظر از اینکه شخص حقیقی دارای مسئولیت کیفری باشد یا خیر، شخص حقوقی یا شرکت تجاری در صورت انتساب رفتار مجرمانه به وی به موجب شرایط مقرر در ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی، قابل مجازات است؛ زیرا اولاً، به محض اینکه شخصیت حقوقی ایجاد می‌شود، شخص حقوقی هویت جداگانه می‌گیرد. در نتیجه مسئولیت‌های او به وجود همان مسئولیت‌ها برای دیگری منوط نیست؛ ثانیاً، از مواد جدید قانون مجازات اسلامی که به داشتن مسئولیت کیفری شخص حقوقی پرداخته‌اند، اناطه مسئولیت کیفری شخص حقوقی به مسئولیت کیفری شخص حقیقی برداشت نمی‌شود؛ ثالثاً، این امکان وجود دارد که شخص حقیقی به علت وجود عامل موجهه یا رافعه جرم، مسئولیت کیفری نداشته باشد اما چنین عاملی نسبت به شخص حقوقی ثابت نباشد؛ در این حال توجیهی برای معاف دانستن شخص حقوقی از مسئولیت وجود ندارد (نوری، ۱۳۹۸: ۳۵۳). بنابراین معتقد به

اینکه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تحت لوای اصل مجرمیت عاریه‌ای و اصل مسئولیت هم‌زمان شخص حقوقی و شخص حقیقی است (جعفری، ۱۳۹۵: ۳۰) صحیح به نظر نمی‌رسد و چه‌بسا یک شرکت به ارتکاب جرمی مورد مؤاخذه کیفری قرار گیرد ولی شخص حقیقی بنابر دلایلی اعم از شخصی یا نوعی یا حتی به جهت اصل استقلال شخصیت شرکت از نمایندگان آن^۱ مسئولیت کیفری نداشته باشد. کمااینکه در بحث ورشکستگی به تقصیر و تقلب با توجه به اینکه شخصیت شرکت از شخصیت نماینده قانونی مرتکب رکن مادی بزه‌های معنونه، متفاوت است، امکان اعمال مسئولیت کیفری به شخص حقیقی (نماینده قانونی مرتکب جرم) وجود ندارد.

۳-۱. انحلال شرکت

مجازات انحلال شخص حقوقی که در بند «الف» ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی آمده است از زمره مجازات‌های نابودگر^۲ شخص حقوقی است. ورشکستگی یک شرکت ممکن است به انحلال یا سازمان‌دهی مجدد یک شرکت با تعهد به ایفای تعهدات و پرداخت دیون در آینده همراه باشد (White, 2011: 3). سؤال مهم این است که وقتی شرکتی به تقصیر یا تقلب ورشکسته شود، انحلال به موجب قواعد حقوق ورشکستگی بر شرکت بار خواهد شد یا طبق قواعد عمومی حقوق جزا و به عنوان مجازات اصلی بار خواهد شد؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قانون تجارت یکی از آثار صدور حکم ورشکستگی شرکت را انحلال شرکت می‌داند، بنابراین صدور حکم به انحلال شرکت در اثر ارتکاب جرائم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب بی‌معنا باشد، لذا مجازات بند «الف» ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی علی‌الاصول منتفی است. با این حال می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا در فرض انعقاد قرارداد ارفاقی می‌توان شرکت را به موجب بند «الف» ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم به انحلال کرد یا خیر؟ در پاسخ باید بیان داشت «در صورت انحلال شرکت به سبب ورشکستگی،

1. Principle of Independence of a Legal Person from Natural Persons

۲. در خصوص مجازات‌های نابودگر نک. پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴.

تصفیه اموالش مطابق مقررات مربوط به ورشکستگی انجام می‌گیرد (ماده ۲۰۲ قانون تجارت) بنابراین، «در صورتی که طلبکاران شرکت ورشکسته توافق کنند با شرکت قرارداد ارفاقی منعقد کنند، شرکت منحل نخواهد شد، مگر آنکه به تعهدات خود به موجب قرارداد ارفاقی عمل نکرده باشد یا قرارداد ارفاقی به دلیلی باطل اعلام شود» (اسکی نی، ۱۳۹۳؛ ۱۵۵-۱۵۴).

همچنین باید دقت داشت در خصوص شرایط تعیین و اعمال این مجازات، به زعم بعضی حقوق دانان، ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات انحلال را به حالتی اختصاص داده که تنها فعالیت شخص حقوقی، ارتکاب جرم است؛ این فعالیت انحصاری اعم از این است که شخص تنها برای ارتکاب جرم ایجاد شده یا در ادامه، فعالیت منحصر خود را ارتکاب جرم قرار داده باشد (پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). به هر حال، موارد اعمال مجازات انحلال محدود است و در موارد استثنائی هم که اعمال می‌شود، در راستای حمایت از منافع جامعه در مقابل سازمان‌ها و مؤسسه‌های مجرمانه است (Heine, 1999: 246). بنابراین، اعمال مجازات انحلال بر شرکت تجاری ورشکسته به تقصیر و تقلب به عنوان یک پاسخ کیفری تنها در صورتی ممکن خواهد بود که اولاً شرایط ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی محقق شده و ثانیاً انحلال به عنوان یک پاسخ غیر کیفری از نظام ورشکستگی، به موجب قرارداد ارفاقی به شرکت بار نشده باشد. در نتیجه اعمال مجازات انحلال به شرکت ورشکسته به تقصیر یا تقلب عملاً بسیار به ندرت ممکن خواهد بود. در صورتی هم که امکان صدور وجود داشته باشد به مصلحت طلبکاران نبوده و با اهداف و فلسفه نظام ورشکستگی نیز مغایر خواهد بود. البته شاید بتوان چنین تحلیل کرد که انحلال نظام ورشکستگی با انحلال نظام کیفری متفاوت است. در نظام ورشکستگی پس از انحلال، شرکت شخصیت متزلزل برای انجام امور تصفیه خواهد داشت و این انحلال موجب از بین رفتن کلی شرکت قبل از انجام امور تصفیه نخواهد شد. بنابراین امکان اعمال انحلال کیفری حتی در فرض تحمیل انحلال غیر کیفری بر شرکت ورشکسته به تقصیر و تقلب وجود دارد و در این صورت شخصیت متزلزل شرکت نیز خاتمه پیدا می‌کند.

اما باید دقت داشت که این تحلیل دو اشکال دارد: اولاً اینکه اهداف مقررات نظام ورشکستگی را بی‌معنا می‌کند و ثانیاً بیشتر از اینکه مجازاتی برای شرکت باشد مجازاتی برای طلبکاران شرکت است.

۲-۳. مصادره کل اموال

در کنار مجازات‌های نابودگر شخص حقوقی، مجازات‌های اخلاک‌گر در فعالیت^۱ آنها نیز وجود دارد. به موجب بند «ب» ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی یکی از این مجازات‌ها، مصادره کل اموال است. منظور از مصادره عام، ضبط تمام اموال محکوم‌علیه اعم از نقدی، منقول و غیرمنقول به نفع دولت است (الهام و برهانی، ۱۳۹۷: ۱۹۲). نکته بسیار حائز اهمیت این است که به موجب اصل استقلال دارایی شخص حقوقی از شخص حقیقی^۲، تنها می‌توان نسبت به مصادره کل اموال متعلق به شرکت اقدام کرد و اموال شرکا مصادره نمی‌شود؛ اما سؤال این است که با توجه به مقررات کیفری و غیرکیفری پاسخ‌دهنده به عمل ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، آیا در مورد شرکت ورشکسته به تقصیر یا تقلب می‌توان مجازات مصادره کل دارایی را بر شرکت تحمیل کرد یا خیر؟ علت این سؤال این است که به موجب قواعد رژیم ورشکستگی، دارایی تاجر ورشکسته وثیقه پرداخت دیون و بدهی‌های تاجر است. درواقع حق طلبکاران بر این اموال تعلق گرفته است و چنانچه همه اموال مصادره شود دیگر اموالی باقی نمی‌ماند که بین غرما پرداخت شود. یکی از فلسفه‌های تأسیس نهاد ورشکستگی، این است که غرما از اموال موجود، هرچند به صورت ناقص، به مطالبات خود برسند و اعمال مجازات بند «ب» ماده (۲۰) کاملاً در تعارض با این هدف است. اگر دارایی شرکت مصادره شود درواقع بیشتر از اینکه شرکت مجازات شود طلبکاران مجازات شده‌اند. به نظر می‌رسد مورد حکم قرار دادن این مورد از مجازات‌های ماده (۲۰) نیز خلاف مصلحت باشد. شاید بتوان گفت که در فرض انعقاد قرارداد ارفاقی بین شرکت

۱. درخصوص مجازات‌های اخلاک‌گر در فعالیت شرکت تجاری نک. پوریافرانی و سیفی، ۱۳۹۴»

2. The Principle of Property Independence of a Legal Person from a Natural Person

ورشکسته و طلبکاران می‌توان حکم به مجازات مصادره کل اموال را صادر کرد، اما باید توجه داشت که در قرارداد ارفاقی، طلبکاران به ورشکسته مهلت می‌دهند تا با درآمد حاصل از ادامه فعالیت تجاری، طلب و دیون خود را در مواعد مشخصی پرداخت کند و چنانچه دادگاه حکم به مصادره کل اموال دهد، فعالیت تجاری که منوط به وجود سرمایه است نمی‌تواند به حیات تجاری خود ادامه دهد؛ در نتیجه ایفای تعهد مذکور در قرارداد ارفاقی تقریباً غیرممکن می‌شود مگر اینکه قائل به این نظر باشیم که شرکا و سهام‌داران شرکت با حفظ شخصیت حقوقی شرکت مجدداً به سرمایه‌گذاری اقدام کرده و فعالیت تجاری شرکت را از سرگیرد. این در حالی است که به نظر برخی، یکی از اهداف در بُعد کلان نظام ورشکستگی، حمایت از طلبکاران و جبران خسارت آنان است (بادینی و کوشکی، ۱۳۹۹: ۱۱ و ۱۲) از طرفی ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی^۱ حکمی را مقرر کرده است که به موجب آن اعمال مجازات مصادره کل اموال برای شرکت تجاری نه غیرممکن بلکه فرض بسیار نادری باشد.

۳-۳. جزای نقدی

با توجه به اینکه بیشتر جرائم ارتكابی اشخاص حقوقی از جمله جرائم مالی است، به نظر می‌رسد رایج‌ترین مجازات قابل اعمال بر آنها، جزای نقدی باشد. «جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم‌علیه به استناد حکم محکومیت صادره از دادگاه به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت» (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۹۱؛ الهام و برهانی، ۱۳۹۷: ۱۸۵). از آنجاکه اشخاص حقوقی معمولاً به دنبال سود هستند، جزای نقدی حالت بازدارندگی بیشتری در این عرصه خواهد داشت (Fieberg, 1998: 87). بنابراین جزای نقدی باید به صورت سنجیده محاسبه شده و متناسب با گردش مالی و احراز میزان واقعی درآمد آنها معین شود؛ وگرنه توالی فاسد در پی خواهد داشت. برای تعیین میزان

۱. ماده ۲۲- انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

جزای نقدی به‌عنوان مجازات هر شخص حقوقی، معیار چند برابر کردن جزای نقدی اشخاص حقوقی در قیاس با اشخاص حقیقی در قبال همان جرم، رجوع به وضعیت مالی اشخاص مزبور و تعیین جزای نقدی براساس درصدی از سود خالص سالیانه یا کسری از متوسط گردش مالی دو یا سه سال پیش از ارتکاب جرم، راهکار مناسبی به‌نظر می‌رسد. معیار پذیرفته شده در حقوق ایران جزای نقدی برپایه مبلغی معین است (شریفی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۸). این موضوع در ماده (۲۱) قانون مجازات اسلامی بیان شده است.

شاید یکی از بهترین و اجرایی‌ترین مجازات‌های قابل‌اعمال بر شرکت ورشکسته به تقصیر یا تقلب، مجازات جزای نقدی باشد، اما همین مجازات نیز می‌تواند موجب مشکلاتی شود چراکه در محکومیت شخص حقوقی به جزای نقدی از دارایی شرکت که وثیقه پرداخت طلب طلبکاران است، پرداخت می‌شود و اصولاً به ضرر طلبکاران است. درواقع شرکت با اعمال این مجازات بیشتر از اینکه شرکت را مجازات کند طلبکاران را مجازات کرده است. باین حال به‌نظر می‌رسد در فرضی که قرارداد ارفاقی منعقد شده باشد یا اینکه پس از انجام امور تصفیه و پرداخت طلب طلبکاران مقداری از سرمایه شرکت باقی بماند، امکان اعمال مجازات جزای نقدی به شرکت تجاری منطقی باشد. شاید بیان شود با توجه به ماده (۲۱) قانون مجازات اسلامی، امکان اعمال مجازات جزای نقدی به شرکت تجاری در فرض ورشکستگی به تقصیر یا تقلب وجود ندارد چراکه مواد (۶۷۰) و (۶۷۱) قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵ چند برابر شدن مجازات جزای نقدی را تعیین نکرده است، لیکن به‌نظر می‌رسد نظر به اطلاق عبارت جزای نقدی در ماده (۲۰) این نظر صحیح نباشد.

جدای از مباحث پیش‌گفته، در کیفیت پرداخت جزای نقدی شرکت ابهام وجود دارد. با توجه به اینکه پس از صدور حکم ورشکستگی شرکت از مداخله در اموال خود منع شده و ازطرفی مدیر یا اداره تصفیه قائم‌مقام اقدام‌های شخص می‌شود، درخصوص اینکه آیا شرکت تجاری می‌تواند جزای نقدی را بپردازد یا باید ازسوی مدیر تصفیه انجام پذیرد یا دولت به‌لحاظ استحقاق جزای نقدی در صف غرما قرار

می‌گیرد یا مقدم بر آنها می‌شود، در قانون نص صریحی وجود ندارد.

۴-۳. انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها

انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها از مجازات‌های سالب حیثیت یا موهن است (پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). برخی معتقدند در تبیین و تحلیل منظور مقنن از مجازات معنونه «انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها» سه نظر می‌توان ارائه کرد: اول، دادگاه مختار است بین اینکه صرفاً مجرمیت شخص حقوقی یا شرکت تجاری را منتشر کند بدون آنکه برای او مجازات دیگری در نظر گیرد یا اینکه علاوه بر آن مجازات دیگری نیز مقرر کند. دوم، دادگاه می‌تواند انتشار حکم محکومیت شخص حقیقی را به عنوان مجازات شخص حقوقی در نظر گیرد. سوم، دادگاه حتماً باید انتشار حکم محکومیت از طریق رسانه‌ها را به عنوان مجازات شخص حقوقی با یکی از مجازات‌های مقرر در سایر بندهای ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی جمع کند. نظر نخست از استدلال منطقی برخوردار نیست؛ چون پیش از محکومیت، انتشار معنا پیدا نمی‌کند و انتشار مجرمیت موجه نیست. نظر دوم هم منطقی نیست؛ زیرا انتشار محکومیت شخص حقیقی مجازات مضاعفی است و محکومیتی برای شخص حقوقی محسوب نمی‌شود. پس نظر سوم ارجح است (مصدق، ۱۳۹۳: ۱۰۰). این نظر قابل نقد است؛ چه اشکالی دارد که حکم به محکومیت شرکت تجاری مرتکب جرم به انتشار حکم محکومیت صادر شده و سپس همان حکم صادر شود. در خصوص بسیاری از شرکت‌ها حیثیت و اعتبار این اشخاص در فعالیت‌های تجاری آنها بسیار مؤثر است و درباره فروشندگان این تأثیر نمود بیشتری دارد چراکه در فرض معتبر و درستکار پنداشتن شرکت، مشتری‌های بیشتری جذب شرکت خواهند شد. این امر موجب رونق تجارت شرکت می‌شود. نتیجتاً انتشار این موضوع که شرکت مرتکب جرم شده است موجب تخدیش حیثیت و اعتبار آن می‌شود و چه بسا تأثیر بیشتری از سایر مجازات‌ها از جمله جزای نقدی بر شرکت داشته باشد.

در مورد جرائم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، مجازات انتشار حکم محکومیت

را باید در فرض انعقاد قرارداد ارفاقی و فرض عدم انعقاد قرارداد ارفاقی بررسی کرد؛ اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشده باشد، با توجه به آثاری که نظام ورشکستگی بر شرکت تجاری بار می‌کند صدور حکم محکومیت در رسانه‌ها دارای توجیه عقلی و منطقی نیست، چون برای شرکتی که منحل شده تفاوت چندانی نمی‌کند که حکم محکومیت آنها منتشر شود یا خیر. چنانچه طلبکاران و شرکت به انعقاد قرارداد ارفاقی اقدام کنند و در پی این قرارداد، شرکت شخصیت حقوقی خود را دوباره بازیافته و به فعالیت تجاری بپردازد، محکوم کردن شرکت به مجازات انتشار حکم محکومیت مفید به فایده به نظر می‌رسد؛ مشروط بر اینکه شرکت به مجازات جزای نقدی محکوم شده باشد.

۵-۳. سایر مجازات‌های ماده (۲۰)

از جمله مجازات‌های اخلاط‌گر در فعالیت‌های شخص حقوقی، مجازات سالب حقوق اجتماعی یا شغلی است. مقنن در راستای وضع ضمانت اجراهای اخلاط‌گر در فعالیت‌های شخص حقوقی، به ممنوعیت دائم یا موقت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی، ممنوعیت دائم یا موقت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و ممنوعیت موقت از اصدار برخی از اسناد تجاری در سه بند از ماده (۲۰) اشاره کرده است. در توجیه علت اعطای شخصیت حقوقی به شرکت تجاری برخی بر این عقیده‌اند که دلیل وجودی هر شخص حقوقی اعم از شرکت تجاری یا هر شخص دیگر، هدف و موضوع خاص آن شخص است و برای رسیدن به همین هدف است که مقنن به او شخصیت حقوقی داده است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۱: ۳۰۳) از طرفی افزایش سرمایه در شرکت‌های تجاری و صدور اسناد تجاری در این شرکت‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای برای یک شخصیت حقوقی دارد (پورباقرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۲۲-۱۲۱).

همان‌گونه که ذیل مبحث مجازات انحلال شخص حقوقی بحث شد، یکی از آثار صدور حکم ورشکستگی که به موجب قانون تجارت بر شخص حقوقی بار می‌شود، انحلال شخص حقوقی است. حال شخصی را که منحل شده است را می‌توان به سه

مجازات فوق‌الذکر محکوم کرد؟ به نظر می‌رسد این مجازات‌ها را نیز فقط در فرض انعقاد قرارداد ارفاقی می‌توان بر شرکت ورشکسته بار کرد؛ چراکه وقتی شرکت منحل شده باشد و شخصیت خود را از دست داده باشد طبیعتاً توانایی انجام فعالیت شغلی یا اجتماعی یا دعوت برای افزایش سرمایه یا صدور سند تجاری را نخواهد داشت و بنابراین صدور حکم به این مجازات‌ها توجیه منطقی و عقلایی نخواهد داشت. در فرض انعقاد قرارداد ارفاقی بین شرکت و طلبکاران، شخصیت حقوقی شرکت حفظ می‌شود و در صورتی که به موجب بند «الف» ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی حکم به انحلال شخص حقوقی داده نشود امکان محکوم کردن شخص حقوقی به مجازات این بند با مانعی مواجه نخواهد بود. البته باید در خصوص اینکه یک شرکت تجاری در صورت ارتکاب جرم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب واجد یا فاقد مسئولیت کیفری است یا خیر به تبصره ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی نیز توجه ویژه داشت. این تبصره بیان می‌دارد؛ «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.» درواقع باید گفت امکان ارتکاب جرم ازسوی این اشخاص وجود دارد، اما این افراد به حکم قانون از ضمانت اجرای کیفری معاف هستند.

۴. پاسخ‌های کیفری به شخص حقیقی (نماینده قانونی)

«هرچند مقنن با تأخیر قابل توجه به شناخت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی قائل شده است، اما باز هم در ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی شخص حقیقی را به عنوان مغز متفکر شخص حقوقی در اولویت قرار داده است و اصل را بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی می‌داند و با احراز شرایط خاصی، شخص حقوقی را مسئول شناخته است (حیدری کوچی و بابایی خانه سر، ۱۳۹۷: ۱۳۶).» «اراده شخص حقیقی نماینده به رغم تلقی به عنوان اراده شخص حقوقی متبوع، مستهلک در آن نشده و از آزادی لازم برای مسئولیت یافتن برخوردار است. بدین سان، مدیر شخص حقوقی از یک سو به جهت نماینده شخص حقوقی و

ازسوی دیگر به اعتبار شخصیت حقوقی و مستقل خود، مخاطب حقوق کیفری قرار، و به دادگاه فراخوانده می‌شود» (شریفی، ۱۳۹۶: ۱۶۸). اما در جرائم ورشکستگی به تقصیر و تقلب شرکت‌های تجاری با توجه به اقتضائات نظام ورشکستگی، رابطه بین مسئولیت نماینده قانونی مرتکب رفتارهای مندرج در مواد (۵۴۱)، (۵۴۲) و (۵۴۹) قانون تجارت و شرکت پیچیده‌تر است. گروهی از حقوق‌دانان معتقدند با توجه به مفهوم مخالف ماده (۱۴۳) لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ که برای مدیرانی که موجب ورشکستگی شرکت شده‌اند، مسئولیت مدنی مقرر کرده است، امکان تعقیب کیفری مدیران شرکت تجاری به اتهام ورشکستگی به تقصیر و تقلب وجود ندارد (ستوده تهرانی، ۱۳۸۴: ۲۸۲؛ کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۲۵ و ۱۳۸) اما به نظر می‌رسد این استدلال اشتباه باشد، زیرا «اثبات شیء نفی ماعداء» نمی‌کند. به عبارت دیگر پیش‌بینی مسئولیت مدنی در این ماده، مسئولیت کیفری را منتفی نمی‌کند. با توجه به یک نظر، مدیرانی که موجب ورشکستگی شرکت به تقصیر یا تقلب شده‌اند مسئولیت کیفری خواهند داشت. استدلال هم این است که اولاً اشخاص حقیقی مرتکب رفتارهای فیزیکی می‌شوند و ثانیاً قاعده اصطیادی حاصل از استقرا در مقررات مختلف حقوقی کیفری ایران از دیرباز تاکنون، این است که هرگاه جرمی قابلیت انتساب به اشخاص حقوقی داشته باشد، مسئولیت کیفری متوجه آن دسته از اشخاص حقیقی است که رفتار مادی مجرمانه انجام داده‌اند و این قاعده به روشنی در ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی بیان شده است (فضلعلی، ۱۳۹۸: ۷۰-۶۹). البته این نظر نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا درخصوص اشخاص حقیقی و حقوقی، بازرگان بودن مرتکب شرط لازم است و بزه‌های ورشکستگی به تقصیر یا تقلب بازرگان را شامل می‌شود (محمدزاده وادقانی و امیر مجاهدی، ۱۳۹۶: ۲۰۶). همچنین در متن مواد (۵۴۱)، (۵۴۲) و (۵۴۹) از لفظ تاجر استفاده شده است و بنابر اصل استقلال شخصیت شرکت از شخصیت نمایندگان و مدیران خود، نمی‌توان مدیران، شرکا یا مدیرعامل شرکت را به علت اینکه شرکت تجاری است، اصولاً تاجر محسوب کرد (ستوده تهرانی، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۴؛ اسکی نی، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۲) هر چند

در این خصوص نظر مخالفی نیز وجود دارد (صقری، ۱۳۷۶: ۶۶-۶۵). لیکن به نظر، تاجر محسوب نکردن مدیران شرکت صحیح باشد. در نتیجه برای عدم تحقق شرط تاجر بودن در تحقق جرم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب در خصوص نماینده قانونی شرکت باید به این نظر قائل بود که امکان انتساب جرم و مآلاً اعمال ضمانت اجرای کیفری به نماینده قانونی وجود ندارد، مگر اینکه بتوان جرمی غیر از جرم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب به وی منتسب کرد. در برخی کشورها در خصوص ورشکستگی شخص حقیقی، مجازات‌های کیفری خاصی از جمله ممنوعیت از تصدی به مدیریت شرکت‌های تجاری و ... در نظر گرفته شده است (White, 2011: 2) و این در حالی است که ورشکستگی یک شرکت به مراتب پیامدهای منفی بیشتری از ورشکستگی یک شخص حقیقی خواهد داشت. همچنین در برخی از کشورها مفهومی به نام مدیر سایه وجود دارد که هر چند به موجب اسناد موجود مدیر شرکت محسوب نمی‌شود اما در واقع مدیریت شرکت را برعهده دارد و از این نظر نماینده قانونی شرکت است.^۱ چنین مفهومی در مقررات ایران به چشم نمی‌خورد.

شاید بتوان به کمک نظریه «نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری»^۲ به وضع مقررات کیفری کارآمد در این حوزه اقدام کرد و «با نادیده گرفتن استقلال شخصیت حقوقی شرکت و تحمیل مسئولیت نامحدود بر شرکا، مانع نفوذ حقوقی اقدام‌های اشخاص متقلب شد» (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱). این نظریه در موارد استثنائی و پس از احراز شرایطی از جمله شرط «اثبات سوءاستفاده شریک از شرکت تجاری» جایز است (Payne, 1997: 1). شرط دیگر اعمال مجازات براساس این نظر است که شخص حقیقی به‌عمد در فعالیت فریبکارانه شرکت، مشارکت فعال داشته باشد (Gower, 1992: 196). باین حال تا زمانی که مقنن به وضع صریح مقرراتی در این باره اقدام نکرده باشد، نمی‌توان مسئولیت کیفری برای شخص حقیقی قائل شد.

۱. در خصوص مفهوم مدیر سایه نک. عیسائی تفرشی و رمضانی آکردی (۱۳۹۲).

2. Piercing/ Lifting the Corporate Veil

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جرائم شرکتهای، هرچند امکان بار کردن مسئولیت بر بازرگان حقوقی وجود دارد، اما با توجه به نوع مجازات‌های تعیین شده در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی، مجازات مناسب اقتضائات شخص حقوقی در جرائم مختلف خصوصاً ورشکستگی به تقصیر و تقلب قابل اعمال نیست. از آنجاکه ورشکستگی به تقصیر یا تقلب پدیده‌ای است کیفری-تجاری، بنابراین شرکت مرتکب این رفتار عملاً تابع دو نظام حقوقی است. هریک از این نظام‌ها پاسخ‌ها و تأثیراتی را بر پدیده ورشکستگی به تقصیر یا تقلب بار می‌کنند. برخی از این پاسخ‌ها با یکدیگر مشابه و برخی با وجود مختلف بودن، بر یکدیگر اثر می‌گذارند. قانون مجازات اسلامی در ماده (۲۰) با هفت بند ضمانت اجرای کیفری مربوط به شخص حقوقی مجرم را معین کرده است. از طرفی شرکت تجاری در فرض ورشکسته شدن مشمول قواعد نظام ورشکستگی شده و آثار این نظام نیز بر این شخص تحمیل می‌شود. از زمره این آثار که در اعمال کیفر شرکت ورشکسته به تقصیر یا تقلب مؤثر هستند عبارتند از: انحلال شرکت تجاری، منع مداخله تاجر در اموال خود، قائم مقام شدن مدیر تصفیه یا اداره تصفیه. به نظر می‌رسد با توجه به آثار غیرکیفری مترتب بر شرکت تجاری ورشکسته عملاً اعمال کیفر و ضمانت اجرای ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی بر این شخص با مشکل مواجه است. علت این است که مقنن بدون توجه به لزوم اختصاصی‌سازی در این زمینه، هریک از جرائم قابل انتساب به شخص حقوقی را در چند ماده کلی نسبت به جعل مسئولیت کیفری و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای شخص حقوقی مطرح کرده است. از طرفی مسئول دانستن مدیر شرکت تجاری ورشکسته به تقصیر یا تقلب به علت اینکه رفتارهای مادی این جرائم را مرتکب شده و با علم و عمد این رفتارها را انجام داده، غیرممکن است؛ چراکه با توجه به صراحت قانون تجارت، شرط مسئول دانستن شخص در فرض ارتکاب رفتارهای مواد (۵۴۱)، (۵۴۲) و (۵۴۹) این است که شخص تاجر باشد؛ و این امر با توجه به اصل استقلال شخصیت شرکت از اشخاص تشکیل‌دهنده آن منتفی است. از این رو وضع ضمانت اجرای کیفری برای نماینده

قانونی یا مدیر یا جمع اشخاصی که با تصمیم‌گیری و اقدام، موجب ورشکستگی شرکت و ایراد ضرر به طلبکاران را فراهم کرده‌اند می‌تواند کارساز باشد. به‌عنوان مثال مقنن این اشخاص را تا چند سال از تأسیس شرکت یا از داشتن برخی اسناد تجاری محروم کند یا حتی آنها به انجام برخی امور عام‌المنفعه مجبور شوند. همچنین شاید وضع ضمانت اجرای مالی برای این افراد موجب پیشگیری از ارتکاب این رفتارها کند. از این‌رو به‌نظر می‌رسد پیشنهادهای ذیل می‌تواند درخصوص چالش تبیین شده در مقاله مؤثر واقع شود:

۱. در مواردی که تقلب شرکت تجاری در استفاده از حجاب شخصیت حقوقی محرز شد، به‌موجب مقررات قانونی حجاب شرکت خرق و مسئولیت کیفری به اشخاص حقیقی مجرم منتسب شود که مسئولیت کیفری را عالمانه و عامدانه با رفتار مادی خود متوجه شرکت کرده‌اند.

۲. برای هر شخص حقیقی به‌عنوان شریک، مؤسس، مدیر یا مدیرعامل یا هر عنوان و سمت دیگر در شرکت تجاری که با اقدام‌های مدیریتی یا اجرایی یا هر اقدام دیگر مرتبط با وضعیت شرکت، موجب ورشکستگی به تقصیر یا تقلب شرکت شود، ضمانت اجرای جزای نقدی و محرومیت از تأسیس شرکت و جبران خسارت همه طلبکاران متضرر از اقدام وی برای مدت معین تعیین شود.

۳. مدیر سایه در قانون ایران تعریف شود و ضمانت اجرای فوق را داشته باشد.

۴. در قانون تصریح شود در فرضی که امکان اعمال مجازات بر شرکت تجاری وجود دارد، اعمال مجازات بر شخص حقیقی، مانع از اعمال مجازات بر شرکت نخواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم‌پور، محمدسعید و بهروز جوانمرد (۱۳۹۸). «بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، مطالعات حقوقی، ش ۲۹.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ پنجم. تهران، نشر میزان.
۳. اسکی نی، ربیعا (۱۳۹۳). حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران، انتشارات سمت.
۴. _____ (۱۳۹۷). حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چاپ بیست‌ویکم، تهران، انتشارات سمت.
۵. الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق جزای عمومی؛ واکنش در برابر جرم، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
۶. بادینی، حسن و مصطفی کوشکی (۱۳۹۹). «قواعد حاکم بر ورشکستگی شرکت‌های تجاری از منظر حمایت از نیروی کار»، تحقیقات حقوقی، ش ۹۰.
۷. پوربافرانی، حسن و مهدیه سیفیه (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی مجازات شخص حقوقی»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۹.
۸. جعفری، مجتبی (۱۳۹۵). «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
۹. حاجی تبار فیروز جایی، محسن (۱۴۰۰). «چالش‌های دادرسی جرائم ورشکستگی به تقصیر و تقلب در حقوق ایران»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۳۴.
۱۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر، محسن شریفی، محمد عیسایی تفرشی و محمد فرجیها (۱۳۹۲). «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۸۲.
۱۱. حیدری کوچی، سیاوش و عباس بابایی خانه‌سر (۱۳۹۷). «بررسی تفکیک اشخاص حقوقی حقوق عمومی از خصوصی و تأثیر آن بر مقررات جزایی»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۴، ش ۱.
۱۲. رحیم‌زاده میدی، حسن و افشین مجاهد (۱۴۰۰). «رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه»، نشریه تمدن حقوقی، ش ۸.
۱۳. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۴). حقوق تجارت؛ قراردادهای تجاری و ورشکستگی و تصفیه، جلد چهارم، تصحیح و تعلیق: دکتر محسن صفری، چاپ ششم، تهران، نشر دادگستر.
۱۴. سیدی‌آرانی، سیدعباس (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی پیشگیری از ورشکستگی شرکت تجاری در بحران عمومی با تأکید بر کرونا»، نشریه حقوق اسلامی، ش ۶.
۱۵. شریفی، محسن (۱۳۹۶). «مسئولیت کیفری شرکت‌های تجاری در وضعیت‌های خاص (قبل از ثبت، پس

- از ادغام و در حال تصفیه»، نشریه پژوهش حقوق کیفری، ش ۲۰.
۱۶. شریفی، محسن و محمدجعفر حبیبزاده (۱۳۹۵). «معیارهای تعیین جزای نقدی اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران، آمریکا و انگلستان»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱، دوره ۷.
۱۷. شریفی، محسن، محمدجعفر حبیبزاده، محمد عیسانی تفرشی و محمد فرجیها (۱۳۹۲). «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۶.
۱۸. شهبازی‌نیا، مرتضی، محمد عیسانی تفرشی، کوروش کاویانی و اسماعیل فرجی (۱۳۹۰). «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۴.
۱۹. صقری، محمد (۱۳۷۶). حقوق بازرگانی: ورشکستگی (نظری و عملی)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۰. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۱). حقوق اداری، چاپ هجدهم. تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۲۱. عبدی‌پور فرد، ابراهیم (۱۳۹۸). حقوق تجارت؛ حقوق ورشکستگی، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۲۲. عیسانی تفرشی، محمد و حبیب رمضانی آکردی (۱۳۹۲). «مفهوم و مسئولیت مدیر سایه در حقوق شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)»، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره هفدهم، ش ۳.
۲۳. فضلعلی، محمدهادی (۱۳۹۸). ورشکستگی به تقصیر و تقلب (بررسی نظری و کاربردی جنبه‌های شکلی و ماهوی)، چاپ دوم، تهران، مرکز آموزش قوه قضائیه.
۲۴. قناد، فاطمه و مسعود اکبری (۱۳۹۴). «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه»، نشریه حقوقی دادگستری، ش ۹۱.
۲۵. کاویانی، کوروش (۱۳۹۳). حقوق ورشکستگی (حقوق تجارت ۴)، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
۲۶. گلدوزیان، ایرج و امین گلریز (۱۳۹۷). «اهلیت جنایی اشخاص حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۰۲.
۲۷. محمدزاده وادقانی، علی‌رضا و محمدمعین امیرمجاهدی (۱۳۹۶). «تأملی بر بزه ورشکستگی به تقصیر»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۹.
۲۸. مصدق، محمد (۱۳۹۳). شرح قانون مجازات اسلامی (جرائم، مسئولیت کیفری، ادله اثبات)، جلد دوم، چاپ اول (ویراست دوم)، تهران، انتشارات جنگل، جاودان.
۲۹. نوری، سیدفاضل (۱۳۹۸). «مسئولیت کیفری شخص حقوقی در پرتو اصل فردی بودن مجازات»، نشریه دانشنامه‌های حقوقی، ش ۲.

31. Dandurand, Y. (1999). "Entertaining Realistic Expectations about the Effect of Criminal Sanctions Imposed on Corporate Entities: Canada", in: Albin Eser, Günter Heine and Barbara Huber (eds.), *Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities*, International Colloquium, Berlin.
32. Fieberg, G. (1998). "National Development in Germany: An Overview", In International Colloquium on Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities.
33. Gardner, T., J. Anderson and M. Terry (2009). *Criminal Law*, New York, Wadsworth.
34. Gower, L.B.C. (1992). *Principles of Modern Company Law*, 5th. Edn, London, Swett and Maxwell.
35. Guillien R., J. Vincent, S. Guinchard and G. Montagnier (2013). *Lexique des Termes Juridiques*, 16e édition, Paris: Dalloz.
36. Khanna, V.S. (1996). "Corporate Criminal Liability: What Purpose Does It Serve?", *Harvard Law Review*, Vol. 109, No. 7.
37. Moore, M.S. (1985). "The Moral and Metaphysical Sources of the Criminal Law", *NOMOS: Am. Soc'y Pol. Legal Phil.*, 27, 11.
38. Nelson, J.D. (2020). "Some Realism about Corporate Crime", *Law & Contemporary Problems*, Vol. 83, No. 103.
39. Payne J. (1997). "Lifting the Corporate Veil: A Reassessment of Fraud Exception", *Cambridge Law Journal*, Vol. 56, Available: <http://heinonline.org>.
40. Robert, R., R. Agustina and B. Nasution (2020). "Punishing The Bankruptcy Fraudsters: What Can Indonesia Learn from United States of America?", *Jurnal Dinamika Hukum*, Vol. 20.
41. Šikman, M. (2013). "Corporate Crime - New Approaches and Future Challenges", Ed. D. Čaleta and M. Vršec, *Management of Corporate Security – New Approaches and Future Challenges*, Ljubljana: Institut of Corporate Security.
42. Sun Beal, S. (2009). "A Response to the Critics of Corporate Criminal Liability", *American Criminal Law Review*, Vol. 46.
43. Tarelli, E. (2004). "A Brief Introduction to the Principles and Rules for Determining Corporate Criminal Liability", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1467817> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1467817>
44. Weissman, A. and David Newman (2007). "Rethinking Criminal Corporate Liability", *Indiana Law Journal*, Vol. 84.
45. Wells, C. (2001). *Corporation and Criminal Responsibility*, 2nd ed., Oxford University Press.
46. White, M.J. (2011). "Corporate and Personal Bankruptcy Law", *Annual Review of Law and Social Science*, Vol. 7.